



در حالی که پیاده است بپردازد، نه در حال سوار بودن،... (۴) و هیچ یک از این وجوه را دلیلی نیست. خود آیه چنین اقتضای می‌کند. نیز سندی در دست نیست که پیامبر با اصحاب وی، چنین کرده باشند. حق این است که صغار در این آیه، به معنای تن دادن به احکام اسلامی، همراه با پرداخت جزیه است. همین پای بندی، خود صغار است.» (۵)

صبحی صالح، پژوهشگر کتاب مزبور نوشته است: «خداوند بر این قیّم رحمت آورد که با اندیشه تابناک و برداشت درستش از اسلام، دریافته است که خوارسازی ذمی، با بزرگ منشی اسلام سازگاری ندارد و از این رو، صغار را جز به معنای پای بندی به احکام الهی ندانسته و خود تصریح کرده است که بسیاری از وجوه ذکر شده از سوی عالمان، بی دلیل هستند.» (۶)

جلال الدین قاسمی، در تفسیر این آیه نوشته است: «عَنْ يَدٍ، حال است برای فاعل يُعْطُوا در این جا، شاید به معنای سرسپردگی

گرچه واژه «صاغرون» در آیه به کار رفته است. ابن حزم (۲)، از فقیهان بزرگ ظاهری‌ها گفته است:

«مراد از صغار - که صاغرون بدان باز می‌گردد - پذیرش حکم اسلام و آشکار نکردن نشانه‌های کفر و انجام ندادن کارهایی است که در اسلام حرام شمرده شده‌اند.»

هم او در جای دیگر می‌نویسد: «از جلوه‌های صغار این است که، مسلمانی را آزار نرسانند و او را به خدمت نگیرند و در زمینه اجرایی، به کاری گمارده نشوند که بتوانند به مسلمانان دستور دهند.» (۳)

ابن قیّم، پس از به دست دادن معانی این واژه در نظر پژوهشگران - که از جمله آنهاست: کيفر، اجرت و خواری - گفته است: «عالمان، اختلاف رأی دارند که مراد از صغار - که اهل ذمه به هنگام پرداخت جزیه، باید در آن حال باشند - چیست. عکرمه گفته است: یعنی پرداخت کننده ایستاده باشد و دریافت کننده، نشسته. گروهی گفته‌اند: یعنی جزیه را

جزیه گاهی جنگ میان مسلمانان و دشمنان، به انعقاد پیمان صلح دائمی انجامد، و این، همان عقد ذمه است. این از آن روست که خداوند، هدف جنگ را این دانسته است که دشمنان به بستن پیمان با مسلمانان تن دهند: «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.» (۱) یعنی: با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، بر خود حرام نمی‌کنند و دین حق را نمی‌پذیرند، جنگ کنید، تا آن گاه که به دست خود، با فروتنی و تسلیم، جزیه بدهند.

همه دانشوران بر آنند که هدف از پرداخت جزیه، نشان دادن تسلیم و فروتنی در برابر حکومت است. جزیه نه تاوان است و نه کيفر؛ و در بردارنده معنای ذلت و خواری نیز نیست،

و تسلیم شدن باشد. هَذِهِ يَدِي لَكَ يَعْنِي تَسْلِيمِ
تو گشتم و به تو سر سپردم. در برابر «نَزَعَ يَدَهُ
مِنَ الطَّاعَةِ» یعنی از تسلیم شدن به او سرباز
زد. شاید هم به معنای پرداخت نقد - در برابر
نسیه باشد. این اصطلاح در سخن پیامبر هم
نمونه دارد: « لَا تَبِيعُوا الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ ... يَدًا
بِيدٍ » و هم شاید يد، همان عضو حقیقی بدن
باشد و (عن) به معنای به. بدین سان آیه فرمان

که خواسته‌ایم دامن کتاب خود را از آنها
پیراییم. سپس می‌افزاید:
«نووی، این وجوه را باطل شمرده و کاری
نیکو کرده است، زیرا اینها وجوهی زشت و
نارویند که با بزرگ منشی و گذشت مداری
دین اسلام ناسازگارند. اگر غرض، رد این آرا
نبود، من نیز کتاب خود را بدان‌ها
نمی‌آلودم» (۸)

خود را در مرزهای شمالی حوزه اسلام
گردآورند، او به همه کارگزارانی که در مناطق
پذیرنده صلح گماشته شده بودند فرمان
مکتوب داد که جزیه‌های گردآوری شده از آن
مناطق را به مردم باز گردانند و بدان‌ها
بگویند: ما اموالتان را به شما باز پس
می‌دهیم، زیرا به ما خبر رسیده است که
رومیان، به گردآوری نیرو پرداخته‌اند. شرط
این بود که ما از شما دفاع می‌کنیم؛ و اکنون،
توان این کار را نداریم. از این رو آنچه را که از
شما ستانده‌ایم، باز می‌گردانیم و ما باشما بر
سر پیمانیم».

شیخ محمد عبده نیز می‌گوید:

«اسلام، پس از جنگ، تنها به همین اکتفا
می‌کند که سرزمین فتح شده را زیر سلطه خود
آورد. آن گاه، مردم را به دین خود وا می‌گذارد
تا به حسب اعتقادات دینی خود، به انجام
تکلیف پردازند. نیز آنها را به پرداخت جزیه
وا می‌دارد، تا به دولت اسلامی، در مقابل
حمایت از ایشان و حفظ امنیتشان، یاری
رسانند، در حالی که در عقیده و پرستش و
سنت‌های خویش آزادند. آنها از این پس در
آزادی به سر می‌برند و در انجام امور و
برخوردها و روابط، زیر فشار و ستم
نیستند. حاکمان مسلمان، همواره، به
فرماندهان خود سفارش می‌کرده‌اند که به
پرستندگان انزوا گزیده در صومعه‌ها و دیرها،
احترام گذارند و جان زنان و کودکان و
هرکس دیگر را که در جنگ سهمی ندارد،
محترم شمارند. در سنت پیامبر به تواتر ثابت
شده است که آزار رسانی به اهل ذمه، مورد
نهی قرار گرفته، و همان حقوق و تکالیف
مسلمانان برای ایشان بر نهاده شده، و آزار
رساننده به آنها، بیرون از جرگه مسلمانان
شمرده شده است. مادام که اسلام توانمند بود،
همین شیوه جریان داشت. این درست نیست

نهاد جزیه، سافته و پرداخته اسلام نبود. بلکه در میان امت‌های پیشین همانند بنی اسرائیل، یونانیان، رومیان، مردم بیزانس و ایرانیان جریان داشت. نخستین وضع کننده جزیه در میان ایرانیان، کسری انوشیروان بود که آن را اصولی و دارای مراتب گوناگون سافت

قاسمی، از آن پس، سخن ابن قیم را که
پیشتر آن را آوردیم نقل می‌کند و می‌افزاید که
نظر شافعی نیز همین است.
اگر بخواهید بدانید که صاغرون با کدام
اصطلاح حقوقی امروزی برابر است، باید
بگوییم: «پای‌بندان به قانون». جزیه، مالیاتی
است که ساکنان سرزمین‌های اسلامی
می‌پردازند، همان گونه که دیگر شهروندان،
مبالغ سنگینی را در قالب زکات، کفاره و مانند
آنها پرداخت می‌کنند. جزیه، جبرانی است
برای حمایت دولت از آنان و نیز معافیتشان از
وظیفه واجب دفاع از وطن و دولت و ملت.
خطیب شربینی شافعی گفته است: «جهاد
بر کافر، اگر چه ذمی باشد، واجب نیست، زیرا
او جزیه می‌پردازد تا ما از وی دفاع کنیم، نه این
که او از ما دفاع کند».

یکی از دلیل‌های تاریخی این حقیقت، که
جزیه جبرانگر معافیت از وظیفه دفاع ملی
است، رخدادی است که برای ابو عبیده بن
جراح پیش آمده: «آن گاه که رومیان، نیروهای

می‌دهد که ایشان باید جزیه را به دست خویش
به دست گیرنده بدهند، نه آن که آن را حواله
کنند. چهارمین احتمال آن که به معنای
خشنودی و رضایت باشد. ابو عبیده نوشته
است: «کسی که از روی اجبار، به طرف پیروز،
چیزی عطا کند، بدان خشنود نیست. اما اگر
دلش بدین کار خشنود شود، آن را (عَنْ يَدٍ)
عطا می‌کند» (۷)

احتمال دیگر آن است که به معنای جماعت
باشد. ابن اعرابی سروده است: «اعطی
فاعطانی یداً و داراً و باحۃ حولتها عقاراً» یعنی
بخشند، پس بخشند مرا جماعتی و خانه‌ای و
عرصه‌ای که آن را به زمین کشت و کار تبدیل
ساختم. و از همین باب است روایت «و هم ید
علی من سواهم». مسلمانان در برابر
دیگران، یک جماعت هستند؛ و این طور که
ابو عبیده گفته است، یعنی رویاروی
دشمنان، یکدیگر را یار و پشتیبانند.

آن گاه، نویسنده آرای دیگر در معنای
صغار و صاغرون می‌آورد که از همان دسته‌اند

که به هنگام بروز ناتوانی، در حکومت اسلامی، برخی از این احکام انحراف ورزند» (۹)

نهاد جزیه، ساخته و پرداخته اسلام نبود، بلکه در میان امت‌های پیشین همانند بنی اسرائیل، یونانیان، رومیان، مردم بیزانس و ایرانیان جریان داشت. نخستین وضع کننده جزیه در میان ایرانیان، کسری انوشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹ م.) بود که آن را اصولی و دارای مراتب گوناگون ساخت.

کشیش لامانس یسوعی گفته است که رومیان، در سوریه، بر پسران از چهارده سالگی، و بر دختران از دوازده سالگی، تا شصت و پنج سالگی به میزان یک درصد جزیه و نیز خراج - که بر زمین‌ها بسته می‌شد وضع کرده بودند. نیز بر واردات و صادرات کالاها، مالیات و عوارض گمرکی بسته بودند. این مبالغ، با همه سنگینی، از تاوان‌ها و باجهایی که حاکمان پیشین بر مردم سوریه تحمیل می‌کردند و به دلخواه خویش و بی حساب و کتاب، دریافت می‌نمودند، سبک‌تر بودند.

دیگری گفته است که مردم مستعمرات روم، به رومیان، جزیه، یک دهم از غلامان، خراج، و مالیات سرانه می‌پرداختند و ناچار بودند که به هر چه فرمان می‌یابند، گردن نهند.

سیسرون گفته است: این مستعمرات، از آن مردم روم تلقی می‌شدند و سر سپردن آنها به فرمان قدرت مرکزی، نه در جهت حفظ منافع مردمان، بلکه برای بهره‌وری از فواید آن بود. هدف آنان از اداره این مستعمرات، استثمار منافع آنها بود.

نیز گفته‌اند که مردم روم، در هر مستعمره، دارای درآمدهای سرشار بودند که از راه عوارض گمرکی، بهره‌های معدنی، کشتزارهای حاصلخیز گندم و چراگاههایی که

به شرکت‌های طرف پیمان خود اجاره می‌دادند، حاصل می‌شد. این شرکت‌ها عشار نام داشتند و امتیاز جمع‌آوری خراج را از دولت می‌خریدند، اینان به منزله هیأت‌های رومی بودند و مردم مستعمرات، باید از آنان فرمان می‌بردند. آنها بیش از آنچه که مقرر شده بود، از مردم دریافت می‌کردند و زن‌ها و کودکان را بازداشت می‌کردند و بسیار پیش می‌آمد که آنها را همانند برده می‌فروختند. سینوبوس گفته است که در آسیا، بسا که رومیان، حتی افراد مستعمرات را بی‌دلیل می‌ربودند و اموال ملت‌های شکست‌خورده را روی هم می‌انباشند تا جایی که پول نقد در روم بسی فراوان گشت و به قدری در مستعمرات، کمیاب شد که ساکنان آنها، ناچار می‌شدند یادگارهای گرانقدر را بفروشند. گاه دیده می‌شد که پدر و مادری، از ناچاری، پسران و دخترانشان را می‌فروشند» (۱۰)

مقایسه گذرا، میان عملکرد رومیان، در سرزمین‌های زیر سلطه، و احکامی که مسلمانان با خود آوردند، نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه بزرگ منشی کرده و چه

تمدن باشیم که به نادرست، خود را یاور ملت‌های عقب‌مانده (!) و ناتوان از دستیابی به استقلال، برای رسیدن به آن می‌دانند.

در سوم مرداد ۱۲۹۹، در شهر دمشق بودیم که ناگاه سپاه ژنرال گورو، شهر را به اشتغال در آورد. او نیروهای خود را پیرامون شهر مستقر ساخت، بویژه نیروهایی از سنگال، که مردم مسا با آنها سر و کاری نداشتند. هدف این سپاه آن بود که دمشق را وادار به پرداخت خسارت جنگی کند، به میزان دو بیست هزار لیره طلای عثمانی و ده هزار تفنگ. پرداخت آن مبلغ، گرچه سنگین، ولی ممکن بود. آنچه محال می‌نمود، تهیه ده هزار تفنگ بود که مسا در اختیار نداشتیم. فرانسه بسیار خوب می‌دانست که دمشق ده هزار تفنگ در اختیار ندارد. از این رو، سلاح‌هایی در اختیار سپاهیان خود گذاشت تا آنها را به مردم بفروشند. آنان بهای هر تفنگ را پنجاه لیره طلای عثمانی تعیین کردند، یعنی در عمل، پانصد هزار لیره دیگر به آن دو بیست هزار، افزودند.

یک بار که این رویداد را نقل می‌کردم، یک

همه دانشوران بر آنند که هدف از پرداخت جزیه، نشان دادن

تسلیم و فروتنی در برابر حکومت است. جزیه نه تاوان است و نه

کیفر؛ و در بردارنده معنای ذلت و فواری نیز نیست

دانشجوی فرانسوی گفت: «جداً خنده‌آور است!»

ای کاش ماجرا به همین جا پایان می‌یافت. فرانسه متمدن، مسجدی را در قلب دمشق اشغال کرد - مسجد جامع تنکز در خیابان نصر

آسایش و رفاه و آسان‌گیری در روزگار مسلمان‌ها، در سرزمین‌های زیر سلطه شان جاری بوده است.

اینک بجاست که نگاهی به تاریخ معاصر افکنیم و نظاره‌گر عملکرد ملت‌های مدعی

پی نوشت‌ها:

- ۱- توبه (۹/۲۹).
- ۲- ابن حزم؛ «مجله» ج ۷، ص ۳۴۶.
- ۳- ابن حزم؛ ج ۷ ص ۳۴۷.
- ۴- کتاب خویش را از آوردن وجوه دیگر بی‌راسته‌ایم، به ویژه که او خود پس از این همه گفته است: «و هیچ یک از این وجوه را دلیلی نیست».
- ۵- ابن قیم؛ «احکام اهل الذمه» ج ۱، ص ۲۳.
- ۶- ابن قیم، پانوشت ص ۲۴.
- ۷- مجاز القآن، ج ۱، ص ۲۵۶.
- ۸- جلال الدین قاسمی: «محاسن التأویل»، ج ۸، ص ۳۱۰۶.
- ۹- محمد عبده «الاسلام و النصرانیة، بین العیم و المدینة» ص ۷۴.
- ۱۰- محمد کرد، علی: «محاضرات المجمع اللمی العربی» ج ۱ ص ۴۰.

اسلام، پس از جنگ، تنها به همین اکتفا می‌کند که سرزمین فتح شده را زیر سلطه خود آورد. آن گاه، مردم را به دین خود و می‌گذارد تا به مسب اعتقادات دینی خود، به انجام تکلیف پردازند. نیز آنها را به پرداخت جزیه وامی دارد، تا به دولت اسلامی، در مقابل حمایت از ایشان و حفظ امنیتشان، یاری رسانند، در حالی که در عقیده و پرستش و سنت‌های خویش آزادند

شرق). با مطالعه این کتاب، می‌توان به این حقیقت پی برد که ملت سوریه، هر روز به نظام تحت الحمایه می‌گفت: «نه! وجود تو غیر قانونی است». و این ملت در راه آرمان خویش می‌جنگند و سپاه شرق رویاروی او بود. شگفتا از یک دولت مدعی تمدن، که سرمایه ملتی را می‌رباید و آن را صرف مسلح کردن سپاهی می‌سازد تا با همان ملت بجنگد!

این تاریخی است که باید از آن عبرت آموخت. امروز هم اگر فرانسه خود را دوست عرب‌ها و مسلمانان وانمود می‌سازد، از آن روست که منافع خود را در این کار می‌بیند؛ و البته دوستی خود را، با صهیونیسم جنایت کار هم، پنهان نمی‌سازد!

ادامه دارد

و یک دانشکده نظامی در آن پایه نهاد و استاد‌های فرانسوی با کفش به این مکان پا نهادند! از همین دانشکده نیرویی رخ نمود که «سپاه شرق» (Troupes du Levant) نام گرفت. از این دانشکده، افسرانی را فارغ التحصیل ساختند و آن سپاه را، از فرماندهان و افسران شکل دادند که، افسرانشان از فرانسویان و مزدوران سوری و لبنانی بودند. ممکن است پرسید که مأموریت این سپاه انبوه چه بود. پاسخ این است که سپاه مزبور، عهده دار هیچ مأموریت نظامی در داخل و خارج سوریه و لبنان نبود، بلکه تنها مأموریت داشت که انقلاب‌های به پا شده در برابر دولت تحت حمایت را سرکوب کند.

مطلب مهم در این بحث، چگونگی تأمین هزینه افراد این سپاه و جنگ افزارهای آنان است. این هزینه، سراسر از منافع مشترک سوریه و لبنان، یعنی عوارض گمرکی و سود شرکت‌های دارای امتیاز و بودجه امنیت عمومی و ... تأمین می‌شد. من این سخن را به گزافه و از پیش خود، یا بر پایه شنیده‌هایم، نمی‌گویم، بلکه آن را در روزنامه رسمی سفارت کبیر یافتیم. این روزنامه به دو زبان عربی و فرانسه در بیروت انتشار می‌یافت و صورت هزینه‌های مراکز زیر فرمان آنها، از جمله سپاه شرق را مندرج می‌کرد. هزینه خود این روزنامه، از عایدات مشترک تأمین می‌شد. با مطالعه مجموع شماره‌های این روزنامه می‌توانید به روشنی دریابید که سوری‌ها و لبنانی‌ها هزینه سپاه شرق را پرداخت می‌کردند، چرا؟ برای آن که هر صدای خواهان آزادی را در گلو خفه کنند!

فرانسه، خود، با کتابی که در سال ۱۳۱۷ منتشر کرد، این حقیقت را فاش ساخت. نام این کتاب چنین است: «Le Livre dor des troupes du Levant» (کتاب طلایی سپاه

